

رمضانی خاطره انگیز برای آخاندرو

من مهدی آخاندرو هستم از کاستاریکا . در فرهنگ آمریکا آخاندرو یا همان اسکندر ، یک شخصیت مهم است ، مثل رئیس جمهور دنیا از غرب به ایران رفته و یک امپراتوری درست کرده است.

شما در کشورتان چه کار می کردید؟

من در یک بانک ، مدیر بخش الکترونیک بودم.

کاستاریکا در آمریکا مرکزی هست بین پاناما و نیکاراگوئه و بعد از آن مکزیک است . حدود چهار میلیون جمعیت دارد و یک میلیون هم مهاجر از آمریکا و اروپا دارد . 95% مردم آنجا مسیحی اند که اکثراً کاتولیک هستند اما پروتستان هم دارد رشد می کند و بعد از آن یهودی ها هستند . بودایی و مسلمان هم دارد که خیلی کم اند . شیعیان هم خیلی کم هستند حدود 100 نفر .

من در مدرسه چندین سال پیش درباره اسلام خواندم که اسلام دینی است که در آن نماز می خوانند و در بیابان زندگی می کنند . بعد در اینترنت درباره اسلام مطالعه کردم . به خودم گفتم : من همه ی فکر و ایده های اسلامی را در قلبم دارم پس چرا مسلمان نیستم ؟ چند ماه بعد دوستی پیدا کردم که ایرانی مسلمان بود از او خواستم که من را به مسجد ببرد . او گفت سه هفته دیگر مراسمی داریم به نام ماه رمضان که خیلی مقدس و قشنگی هست و من دوست دارم که آن زمان با هم برویم . در آن ماه رمضان من مسلمان نبودم اما در قلبم اسلام را قبول کرده بودم .

آن سالها خیلی سخت بود ، عمویم تازه از دنیا رفته بود . من خیلی ناراحت بودم و دائم می گفتم خدایا کجایی . تو در جسم من نیستی اما در فکرم هستی . در آن ماه روزه گرفتم در حالی که مسلمان نبودم . در شب قدر به مسجد رفتم و حس خیلی قشنگی به من دست داد . دیدم که همه زنان با لباس و حجاب به همراه مردان در حال نماز خواندن هستند.

در آن زمان شیخ سهیل در کاستاریکا بود . من به او گفتم شیخ سهیل من اصلاً قرآن نخواندم الان چه کار کنم. ایشان گفت یک اسم قشنگ انتخاب کن و شهادتین بگو . فقط همین و بدانی که اسلام ورزش نیست ، یک دین خیلی مهم است و از شما قبول می شود اما شما نمی توانید بگویید نه دیگر آن را دوست ندارم . من هم گفتم اسلام در دل من است.

آن شب من اسلام را قبول کردم و مستقیم شیعه شدم.